

نامهٔ دکتر محمد معین به استاد مجتبی مینوی در بارهٔ «کاپوسنامهٔ فرای»

مقالهٔ نسخه شناسانهٔ استاد مجتبی مینوی، به نام «کاپوسنامهٔ فرای، ترمیزی در فن تزویزشناسی» که پیش از این (سال ۱۳۳۵) در مجلهٔ یغما انتشار یافته بود، اکنون در این دفتر از نامهٔ بهارستان- به همراه تصاویری از نسخه‌های جعلی و مخدوش که در مقاله بدان‌ها اشاره شده است- منتشر می‌شود. از این رو، از هیأت امنای کتابخانهٔ استاد مینوی درخواست شد تا چنانچه در میان اوراق و نامه‌های ایشان دست‌نوشته‌ای در این مورد وجود دارد، تصویری از آن را در اختیار «نامهٔ بهارستان» قرار دهند. هیأت امنای محترم کتابخانه، در پاسخ تصویر نامهٔ دکتر محمد معین به استاد مینوی را در خصوص مقاله یاد شده ارسال فرمودند که ضمن سپاس و امتنان، در اینجا به چاپ می‌رسد.

نامهٔ بهارستان

به نام خدا

دفتر محترم مجلهٔ «نامهٔ بهارستان»

چون در نظر گرفته‌اید مقالهٔ مرحوم استاد مجتبی مینوی به عنوان «کاپوسنامهٔ فرای» در آن نامه تجدید چاپ شود مناسب دید که نامهٔ مرحوم دکتر محمد معین را که پس از انتشار آن مقاله به مرحوم مینوی نوشته بود از جهت آنکه انعکاسی بوده است نسبت به نشر آن مقاله در دنبال آن به چاپ برسد علی‌هذا فتوکی آن ارسال می‌شود که چاپ بفرمایید.

هیأت امنای کتابخانهٔ اهدایی مینوی



مجلس شورای ملی
کارپردازی

دست‌نویس منظم جناب دکتر معین
پیر از دفتر اسناد و کتابخانه

(شماره ۲۰۰۳۰)

شماره
پرست

تاریخ ۱۳۳۳

۱- رسالهٔ «کاپوسنامهٔ فرای» توسط دکتر محمد معین به این دفتر تقدیم شد. در این رساله، مقاله‌ای در بارهٔ نسخه‌شناسی و تصاویری از نسخه‌های مخدوش و جعلی از کتاب «کاپوسنامهٔ فرای» درج شده است. این رساله در شماره ۲۰۰۳۰ از مجلهٔ «نامهٔ بهارستان» در شماره ۱۳۳۳ چاپ خواهد شد. در این رساله، دکتر معین به بررسی نسخه‌های مختلف و مخدوش این کتاب پرداخته و تصاویری از آنها را درج کرده است. این رساله برای اطلاع و آشنایی بیشتر با نسخه‌های این کتاب و همچنین برای مقاصد تحقیقی و آموزشی تقدیم می‌گردد. در این رساله، دکتر معین به بررسی نسخه‌های مختلف و مخدوش این کتاب پرداخته و تصاویری از آنها را درج کرده است. این رساله برای اطلاع و آشنایی بیشتر با نسخه‌های این کتاب و همچنین برای مقاصد تحقیقی و آموزشی تقدیم می‌گردد.

دوست فاضل معظم جناب آقای مینوی

پس از عرض مراسم ارادت و تحیت؛

۱. رساله «کاپوسنامه فرای» توسط آقای دکتر مهدوی رسید، از لطف آن جناب تشکر می‌کنم. رساله را تماماً خواندم، بدون شک پرده پندار گروهی را این رساله پاره می‌کند. در مجله سخن هم شرحی در مزایای نسخه مورد بحث به طبع رسیده است. مقاله اول فرای هم در فرهنگ ایران زمین ترجمه شده. بنده هم دچار همین اشتباه بودم و در مقدمه بحث درباره کاپوسنامه به قلم عبدالمجید امین اشاره به این نسخه کرده‌ام، و گناه متوجه ما نیست زیرا «اصل صحت و امانت است». در هر حال رساله جناب عالی موجب می‌گردد که ازین پس با نظر تأمل و تردید در نسخ خطی بنگرند. حتی تصور می‌کنم قدری این موضوع را باید تعمیم داد و به کتیبه‌ها و سکه‌ها و ظروف قدیم! که در سال‌های اخیر پیاپی عرضه می‌شود، با نظر تردید نگریست. در اواخر جنگ اخیر دو لوحه عرضه شد به خط میخی و زبان پارسی باستان، که از مملکت خارج شد و در نمایشگاهی در امریکا به معرض نمایش گذاشته شد، و گفتند در همدان پیدا شده یکی از آن ارشامه Arshama جد داریوش و دیگری از آن اریارمنه Ariaramna پدر ارشامه، که هر دو خود را «شاه بزرگ، شاهنشاه» نامیده‌اند. ارادتمند در همان موقع مقاله‌ای در مجله آموزش و پرورش و مجله پشتون (به انگلیسی) و در ژورنال دُتهران (به فرانسه) منتشر کرد و اشکالات تاریخی مطالب آنها را یادآور گردید و تقاضا کرد که با وسایل فنی این دو کتیبه را مورد آزمایش قرار دهند، ولی ظاهراً چنین کاری نشده، و آقای دکتر گیرشمن در کتاب «ایران» خود این دو لوحه را از امهات اکتشافات اخیر می‌داند و اشاره‌ای هم به تردید بعضی در اصالت دو لوحه مزبور کرده است.

۲. درباره نسخه رباعیات خیام از اول ارادتمند هم تردید داشتم و تردید جناب عالی شک مرا بیشتر کرده است، ان شاء الله این امر هم به زودی روشن خواهد شد.

۳. اخیراً نسخه‌ای از جوامع الحکایات شامل یازده باب از قسم اول، آقای رضائی منتشر کرده‌اند. به طوری که اطلاع دارید بنده هم باب اول را تصحیح کرده بودم و اکنون مشغول طبع مقدمه آن هستند، به اصل نسخه آقای رضائی مراجعه کردم. در آخرین صفحه کتاب نوشته‌اند: «تم الكتاب بعون الملك الوهاب فی العشر الاوسط من شعبان سنه خمس عشر و سبعمائة...» اگر این تاریخ درست باشد، این نسخه دومین نسخه از لحاظ قدمت می‌باشد. از طرف دیگر در لوحه ترنج مذهب اول کتاب نوشته شده «برسم مطالعه حضرت آسمان شکوه خداوندگار عالمیان پشت و پناه اسلامیان المؤید من السماء المظفر علی الاعداء مقرب الحضرة العلیا بدرالدولة والدين لؤلؤ مدالله ظللہ علینا». اگر این لوحه اصیل باشد، نسخه مزبور اولین نسخه موجود در دنیا - تا آنجا که اطلاع داریم - خواهد بود. سلطنت بدرالدین لؤلؤ (۶۳۱-۶۵۷) است و اختلاف این دو تاریخ در حدود ۸۵ سال می‌شود. کلمه لؤلؤ هم در اصل مخدوش است و تراشیده و دوباره نوشته. خط نسخه را هم که بعضی محققین دیده‌اند از آن قرن هفتم و هشتم نمی‌دانند.

۴. نمی‌دانم نظر جناب عالی راجع به نسخه دیوان سنایی (تصاویر ۱ تا ۴) که مرحوم قزوینی با علم به جعلیت فروشنده، خرید آن را به کتابخانه ملی تصویب فرمودند و مرحوم اقبال در سرمقاله مجله یادگار* خرید آن نسخه را بر افتتاح هزارها باب مدرسه (گویا) رجحان داده بودند، چیست؟

۵. در اینجا دو نکته را درباره نسخه «کاپوسنامه فرای» به عرض می‌رساند:

* برای چاپ مجدد آن مقاله نک: نامه بهارستان، س ۲، ش ۲ (پاییز - زمستان ۱۳۸۰)، دفتر ۴: ۴-۸.

الف- نام «کاپوس» را درین نسخه از صفحه ۲۱۹ جلد اول سبک‌شناسی استخراج کرده‌اند. در صفحه مزبور در متن نوشته شده:

فارسی دری

پهلوی

کی کاوس - کاوس

ی: گوآدس - کاپوس

در حاشیه چنین شرح می‌دهد: «در پهلوی واو بین دو حرف صدادار بدل به یاء می‌شود چون کوداس - دکویکر و او همان (کی) و (کوی) است و (اوس) هم اسم این پادشاه بوده است و به پهلوی کاپوس شد - کی کاوس غلط مشهور است».

ب- مسأله دیگر تاریخ تألیف قابوس‌نامه است. براون در تاریخ ادبیات، ج ۲، سال تألیف آن را سال ۴۷۵ هـ/۱۰۸۲ م. در سن ۶۳ سالگی مؤلف می‌داند. مرحوم بهار در سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۱۱۳ و آقای دکتر شفق در تاریخ ادبیات ۱۳۲۱، ص ۲۴۹ و آقای دکتر صفا در مختصر تاریخ تحول نظم و نثر فارسی همین تاریخ را یاد کرده‌اند. در نسخه مأخذ طبع آقای نفیسی نیز همین تاریخ نقل شده، ولی این امر چنانکه دکتر امین عبدالمجید بدوی تحقیق کرده با تاریخ وفات امیر کیکاوس یعنی ۴۶۲ (ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۲، ص ۱۸؛ خواندمیر، حبیب‌السیر جزء ۴ از مجلد دوم، ص ۴۴۲؛ دایرة المعارف اسلام؛ معجم الانساب زامباور) وفق نمی‌دهد. آقای نفیسی برای تأیید اصالت نسخه مأخذ، این تاریخ وفات را صحیح نمی‌دانند، ولی دلیلی بر آن نیست.

و به عکس با قراین دیگری که آقای بدوی در «بحث درباره قابوس‌نامه» ص ۸۸ تا ۹۹ آورده ظاهرأ ۴۷۵ (سال تألیف قابوس‌نامه) تصحیف ۴۵۷ است و به هر حال این کتاب بین سال‌های ۴۵۷ و ۴۶۲ ظاهرأ تألیف شده، ولی در آخر نسخه کاپوس‌نامه چنین آمده: «و این کتاب آغاز کردم اندر غرة شعبان اندر عام سبعین و اربع مائه و بی‌پایان آوردم اندر شهر محرم ثلث و سبعین و اربع مائه». در این تاریخ هم که دو سال با تاریخ دیگران اختلاف دارد، همان اشکال موجود است و جای تعجب است که آقای فرای در مقاله «سرتا کانتا بریجنسیا» می‌گوید تاریخ تحریر نسخه هفت یا هشت سال بعد از آغاز نوشتن اصل کتابست و احتمال دارد که نسخه مزبور همان نسخه اصل قابوس‌نامه باشد که بعد از هفت هشت سال از شروع آن تکمیل شده است!

۶. موقع حرکت آن جناب از ایران، تقاضا کردم راجع به نسخ قدیم گلستان سعدی و چهارمقاله نظامی (به جز آنچه مورد استفاده مرحوم قزوینی قرار گرفته) تحقیق فرمایید. این تقاضا را مجدداً تکرار می‌کنم تا در صورت وجود چنین نسخی با تقدیم مخارج درخواست عکس برداری شود. یادداشتی که راجع به نسخه کتابخانه‌ی عاشر افندی مرقوم فرموده بودید رسید و موجب امتنان گردید.

۷. آیا آن جناب اطلاعی دارند که چهارمقاله عروضی به ترکی ترجمه شده باشد، و اگر شده به چاپ رسیده یا نسخه‌ای خطی از آن در ترکیه وجود دارد؟

۸. یکی از دوستان با آقای «دیوشلی» درباره یوسف وزلیخای جامی کار می‌کند و از بنده خواسته است که از خدمتتان استفاده شود، نسخه‌ای قدیم ازین منظومه در ترکیه هست یا نه؟

۹. تعلیقات چهارمقاله نزدیک به اتمام است، وعده فرموده بودید که مقدمه‌ای به زبان انگلیسی به جای مقدمه براون مرقوم فرمایید آیا فرصت این کار را در ترکیه دارید؟ اگر مرقوم فرمایید بر مراتب امتنان افزوده خواهد شد.

ارادتمند

محمد معین

ن. سمر

